

۴ ق ۱ ل ۵

بزرگان نقاشی خط معاصر ایران

استاد جلیل رسولی

سیری در زندگی و آثار

کاوه تیموری

اشاره

هنر نقاشی خط یکی از شاخه‌های مهم هنر خوش‌نویسی است که با سابقه نیم قرن در دوره معاصر به یک گرایش مستقل تبدیل شده است. بارها شاهد بودم که معلمان هنر با شوق و ذوق از جلوه‌های رنگین و دانش‌آموزبسنند این هنر ارزشمند برای ایجاد جاذبه در کلاس خود استفاده می‌کردند. به‌راستی و درستی نقاشی خط با ظرفیت بالای زیباشناختی و بصری خود توان ایجاد این جذابیت را در ذهن بچه‌ها و همه همکاران حوزه هنر داراست. با همین رویکرد یکی از چهره‌های پرتلاش نقاشی خط معاصر ایران استاد جلیل رسولی است که بی‌تردید مطالعه سلوک هنری ۵۰ ساله وی می‌تواند به عنوان الگویی شناخته شده برای همه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت هنری دستاوردهای مناسبی را به ارمغان آورد. در این نوشتار تلاش بر آن است که با معرفی ایشان و ارائه نمونه‌هایی از آثار وی، معلمان هنر بتوانند به دست‌مایه‌هایی برای بهره‌گیری در کلاس درس دست یابند.

کلیدواژه‌ها: نقاشی خط، سلوک هنری، تأثیرات هنری، بررسی آثار.

رشد آموزش
دوره نهم
شماره ۲
زمستان ۱۳۹۰

زمینه اجتماعی

رسولی متولد شهر کهنسال و باستانی همدان است. او برخاسته از محله‌های سنتی و بافت‌های قدیمی شهری است که هنوز قوس دلنشین دیوارهای کاهگلی آن، که به عنوان یک زیبایی شگفت‌انگیز دستی شکل گرفته، خیره‌کننده و جذاب است. سنگفرش هر کوچه یادآور تلاش انسان‌هایی است که بیشترین تأثیر را در محیط از خود به‌جا نهاده‌اند. محلات قدیمی که عصرها با نرم ریز باران، بوی ملایم و دلنشین کاهگل را در فضا متصاعد می‌کردند. و نسیمی دل‌انگیز، سفیر پراکنش آن‌ها در محیط و محله بود. همان نسیم خیال‌انگیزی که امروزه روز گمشده هم‌نسلان رسولی است و جلیل در چنین محیطی در مهرماه سال ۱۳۲۶ در همان بافت قدیمی و در محله گنبد علویان به دنیا آمد. بعدها با نشستن همان فضاها هندسی، پنجره‌های چوبی، شیشه‌های رنگارنگ و صدها طرح و نقش الهام‌بخش در ذهنش، رؤیاهای نابی را در آثار هنری خود به‌وجود آورد که منعکس‌کننده بخشی از تأثیرات فضای دوره کودکی اوست.

زندگی و ازدواج

برای طی طریق یک هنرمند و طی کردن مراحل صعب‌العبور و رسیدن به قله‌های هنر، جمع شدن مجموعه‌ای از عوامل در کنار هم امری آشنا و بدیهی است.

به‌دست آمدن فضایی آرام و ایجاد زمینه‌ای مناسب برای آفرینش هنری و درک و فهم ذهن حساس و زودتأثیر هنرمند، نیاز به همسری فهیم و از خودگذشته است که با باور قلبی همانند هنرمند در هموارکردن مشکلات و موانع و کاستن آن‌ها پیشگام و اثرگذار باشد تا از این طریق خیالی آسوده برای دامن‌زدن به تخیل هنرمند و ایجاد ذهن خلاق در او شکل گیرد. بدون تردید جلیل رسولی از این توفیق حداقل به گواهی حجم آثار و کارهایش در اندازه قابل قبولی برخوردار بوده است، او در این باره می‌گوید:

«برای هنرمند انتخاب همسر خیلی مهم است؛ اگر درست و بجا انتخاب شود موفقیت خوبی به همراه خواهد داشت. لطف خداوند شامل حال من شد و همسری دارم که به‌کار من علاقه‌مند است و برای من فضا و زمینه را فراهم می‌کند که کار کنم.»^۱

جلیل رسولی با دیده انصاف وقتی که به کارنامه پربزرگ و بارش می‌نگرد به نکته‌ای اشاره می‌کند که برای بسیاری از رهروان این وادی درس‌آموز است و آن نکته درس قدرشناسی و قدردانی از زنان بزرگی است که در سایه همت مردانه آن‌ها مردان بزرگی نیز به سرانجام و مقصدی عالی رسیده‌اند. گذشت‌های صمیمانه زنان درباره همسران هنرمندشان همواره نشانه‌ها و نمونه‌های متعددی دارد اما روایت هر کدام از هنرمندان حلاوت خاص خود را داراست. رسولی در این باره می‌گوید:

«خداوند هم لطفی کرد و همسری به من داد که موفقیت کاری‌ام را به میزان بسیار زیادی مدیون ایشان هستم، چون ایشان سی سال است که با من زندگی می‌کنند و سبک تمامی خط‌ها را می‌شناسند. یادم می‌آید گهگاه خانم شام می‌آورد و من متوجه نمی‌شدم، غذا سرد می‌شد و ایشان دوباره آن را گرم می‌کرد و این چند بار اتفاق می‌افتاد.»^۲

این نمونه‌ها و اظهارنظرهای صادقانه با توجه به موانع و مشکلات زندگی امروزی یکبار دیگر این درس را یادآور می‌شود که در دامان کانون گرم و پر از عطوفت خانواده است که هنر واقعی شکل می‌گیرد؛ هنری که تنها هنرمند در آن سهیم نیست بلکه اهل خانواده با شکیبایی، دل‌سپردگی و پشتیبانی معنوی و مشوقانه و ایفای نقش مهرورزانه خود در آن شریکند. بی‌دلیل نیست که گفته‌اند:

زیباترین نگار جهان چیست؟

زن در کنار شوهر و فرزند^۳

سلوک هنری

پدرش در پنج سالگی جلیل را به مکتب‌خانه‌ای گذاشت و وی را به معلم اهل ذوق و مهربانی که مردم او را حسین آقا خطاب می‌کردند سپرد. معلم مکتب‌خانه بر در و دیوار کاهگلی آن حروف اول کلمات را به شکل بزرگتر و خوش‌نمایی نگاشته بود. و در کنار هر حرف بزرگ، کلمه‌ای قرار داشت که با همان حرف آغاز می‌شد. جلیل نخستین ارتباط بصری را با همان حروف که در آن موقع در نظرش خوشایند جلوه می‌کردند برقرار کرد و این اولین رگه‌های شکل‌گیری حس زیباشناختی در کودکی بود که شوق و شغف تازه‌ای را در وجود او به ودیعه نهاد. به طوری که آن

ملاحظه قطعات

خوش نویسی

رسولی در شیوه

نستعلیق بیش از

همه گرایش او

به خوش نویسی

صفویه که نماینده

نامبردار آن

میرعماد است را

نشان می دهد

و هر سرمشق ایشان را در ۶۰ صفحه می‌نوشتیم. ایشان مرا خیلی تشویق می‌کردند. چون متوجه پشتکار من شده بود. روال کاری و تدریس استاد این‌گونه بود که در موقع تعلیم یک ربع شعر می‌گفتند و یک ربع هم در مورد اخلاق و انسانیت بحث می‌کردند. ایشان می‌فرمودند: «برای هنرمند شدن باید یک انسان خوب بود.»^۵

جلیل رسولی به راهنمایی استاد حسن میرخانی در مدت سه سال دوره ممتاز انجمن خوش‌نویسان را به پایان می‌رساند و بنیان خط خود را نزد او استحکام و قوام می‌بخشد. اما قبل از آن‌که از نکات تعلیمی استادش بهره‌مند شود، از نفس گرم و صداقت و صفا و سیرت او بهره می‌گیرد. واقعیت این است که سلوک خوش‌نویسی در نزد مربی گرانقدری چون استاد سیدحسن میرخانی حرکت و تلاشی عارفانه است که در پشت سیمای خوش‌نویسانه حروف و کلمات وجود دارد. رسولی این توفیق را داشته و به همین دلیل است که همواره در سال‌های بعد ارتباط تنگاتنگ و معنوی شاگرد با استاد ادامه می‌یابد.

ملاحظه قطعات خوش‌نویسی رسولی در شیوه نستعلیق بیش از همه گرایش او به خوش‌نویسی صفویه که نماینده نامبردار آن میرعماد است را نشان می‌دهد.



معلم دلسوز این ویژگی را دریافته بود و پدر رسول را در جریان این بی‌قراری و استعداد کودکش نهاد. جلیل با همین سرمایه بزرگ که در حکم حکاکی در روح کودکانه او بود، تأثیری شگرف را در خود یافت. حروفی که بر تخته و دیوار مکتب‌خانه نقش گرفته بود، تمام وجودش را تسخیر کرده و آتش عشقی را در جان او انداخته بود. تقدیر چنین بود که با روحیه‌ای این‌گونه از کلاس دوم ابتدایی با خانواده خویش به تهران مهاجرت کند. به طوری که این شور و حال هنری در روزنامه‌های دیواری مدرسه با کشیدن نقاشی و طراحی و نوشتن کارهای خطاطی آن، جان دوباره‌ای گرفت. توجه، جذابیت و حس رضایتی که در نگاه دیگران و سایر هم‌کلاسی‌ها نسبت به هنرنمایی رسول در این روزنامه‌های دیواری وجود داشت، برای او بسیار خوشایند و دلنشین بود و مهمترین انگیزه را برای تداوم کار هنری در وی به‌وجود آورد.

این حس آن‌چنان در وی شعله‌ور شده بود که از ۱۴ سالگی درس و مشق مدرسه را به کنار نهاد و یکسره وجود خود را وقف خوش‌نویسی و کار حرفه‌ای خطاطی کرد و در مدت ده سال از هر خط خوشی الهام می‌گرفت و با کار خوش‌نویسی نیز روزگار می‌گذراند. از سرگذراندن تجربه چاپ سیلک و طراحی تابلوهای معروف به نئون پلاستیک که از زمره کارهای بازار بودند برای او نقطه عزیمتی بود تا استقرار و تمرکز تازه‌ای برای ادامه کارهایش پیدا کند. خودش می‌گوید: «در سن ۲۱ سالگی، دفتری را در کوچه برلن سابق در تهران دایر کردم و بیشتر در کار طراحی و درشت‌نویسی بودم. در آن سال‌ها توانایی داشتم که یک کلمه را در ۵۰ شکل مختلف بنویسم.»^۴ بعدها رسولی این توانایی کاربردی را در اجراهای چهل‌گانه اشعار و آیات به‌کار برد. او از این طریق دست‌مایه‌های اولیه را برای ورود به محضر استاد سیدحسن میرخانی فراهم کرد. البته نباید این نکته را فراموش کنیم که گویا رسولی مدتی را نیز در محضر مرحوم میرزا حسن زرین‌خط به آموزش خط اشتغال داشته است.

رسولی روزهای آغاز شاگردی خود را در محضر استاد چنین روایت می‌کند:

در اولین سرمشق استاد حسن برایم نگاشت:

«این جهان در دیده بیدار، خوابی بیش نیست.»

با تمام وجود همه طراح‌هایم را کنار گذاشته بودم

رسولی به‌ویژه در گرایش نقاشی خط آن‌چنان تحت تأثیر قرار می‌گیرد که هنگام گفت‌وگو با فرزندش محمدعلی میرخانی از کارهای زیبایی رسولی با شوق و حالی وصف‌ناشدنی یاد می‌کند. این زمینه ذهنی مثبت از آثار رسولی باعث شود که استاد حسن میرخانی طی یادداشتی جایگاه رسولی را این‌چنین ثبت کند:



استاد جلیل رسولی، هنرمند نقاشی خط

هو العزیز

برای فقیر جای بسی خرسندی است که نور چشم عزیزم استاد جلیل رسولی اکنون از چهره‌های مشخص هنر خوش‌نویسی معاصر ایران است. منت خدای را جلت قدرته که این هنر شریف را به دست چنین عزیزانی حفظ و تقویت می‌فرماید.

سیدحسن میرخانی ۶۷/۸/۱

با این حال این یادداشت مهرآمیز استادی مهربان، گرچه بعدها به عنوان سرلوحه افتخارات رسولی در طلیعه آثارش به چاپ رسید اما بر افزود و کاست سرعت رسولی و تجربه‌آموزی و سیر او در آفاق اقلیم خط تأثیر نداشت و قلم‌نی و قلم‌مویش همواره در این دست و پنجه نرم کردن روان‌تر و صاف‌تر به حرکت درمی‌آمد و در سایه تفکر سیال او تلاش‌هایی صورت گرفت که، ماحصل آن آثار گران‌قدر و ارزشمندی است و فصلی مشبع از کتاب خط و نقاشی خط معاصر را به خود اختصاص داده است.

قراردادن او در گروه خوش‌نویسانی که گرایش به مکتب میرعماد و دوره قاجار دارند، کاملاً منطقی است. به همین لحاظ او را می‌توان در کنار استاد احصایی و شادروان رضا مافی قرار داد و البته نکته جالب در این است که این سه خوش‌نویس ذکر شده، (مافی، احصایی و رسولی) با داشتن گرایش غالب از خوش‌نویسی صفویه و قاجاریه از پیشروان جریان نقاشی خط متمایل به سنت نیز به‌شمار می‌روند. و هرچه که در این موضوع تأمل بیشتری به عمل می‌آوریم، به این نتیجه می‌رسیم که پیروان این جریان بیشترین سازگاری را با جریان نقاشی خط می‌توانند برقرار کنند؛ حتی در نسل دوم رهروان نقاشی خط معاصر ایران استعدادها نپدید و میرزی چون صداقت جباری و به تازگی نیز استاد علی شیرازی با شیوه‌ای متمایل به خوش‌نویسی صفویه و قاجاریه به مرزها و از سرگذراندن تجربه نقاشی خط روی آورده و کارهای موفق‌تری را نیز ارائه کرده‌اند. این گزینه‌ها و نمونه‌ها وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند، می‌توان نتیجه گرفت که در ذات این دسته از استادان و علاقه‌مندان، نقطه‌های عزیمت برای نوجویی بیشتر شکل گرفته؛ زیرا در جریان متمایل به مکتب کلهر از این دست پیشگامان یا در حد اندک قابل ردیابی است و یا در حد اثرگذاری قابل توجه و تبدیل شدن به یک جریان هنری مهم دیده نمی‌شود.

از مرحله ممتازی تا مرحله استادی

رسولی یک‌بار در نزد استاد سیدحسن میرخانی و آن هم به سال ۱۳۵۱ گواهی‌نامه ممتاز را در مدت سه سال از انجمن خوش‌نویسان وقت دریافت می‌کند. از این سال به بعد او به عنوان هنرمندی مستقل و خلوت‌گزیده فقط به کار روی می‌آورد. او در شیوه و روش کاری خود هیچ‌گاه منتظر تشویق دیگران یا مراکزی رسمی مثل انجمن خوش‌نویسان ایران نماند؛ زیرا راه او یعنی انتخاب نقاشی خط در آن مراکز هنوز شیوه‌ای مقبول و پذیرفته به حساب نمی‌آمد. نمایشگاه‌های سالانه رسولی باعث شد که آرام‌آرام پختگی او در تلفیق خط رنگ و فرم و طراحی از دست درآید و از وی به عنوان استادی که در خط و نقاشی خط کارش به ثمر نشسته است یاد کنند. در زمان حیات استاد حسن میرخانی، جلیل رسولی او را به افتتاحیه نمایشگاهش دعوت می‌کند و استاد با دیدن کارهای



هنرمندی با آوازه منطقه‌ای

پرکاری جلیل رسولی در ارائه قطعات و تابلوهای نقاشی خط با رویکرد ارائه آثار قرآنی در خارج از کشور برای او جایگاه ارزشمندی فراهم کرده است. او بارها در مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای خود از توجه ویژه کشورهای جهان اسلام و به‌طور ویژه کشورهای امارات و کویت اشاراتی داشته است و برگزاری نمایشگاه‌های مختلف از آثار رسولی در این کشورها او را به چهره‌ای آشنا برای آن‌ها تبدیل کرده است. در همین راستا «مجله تخصصی حروف» چاپ کشور مصر ویژه‌نامه‌ای را برای معرفی رسولی و آثارش ارائه داد که نشان از جایگاه هنری او در جهان اسلام دارد و این نکته از آن‌جا اهمیت می‌یابد که شمار معدودی از هنرمندان طراز اول به عنوان محور و موضوع ویژه‌نامه‌هایی از این دست قرار می‌گیرند.

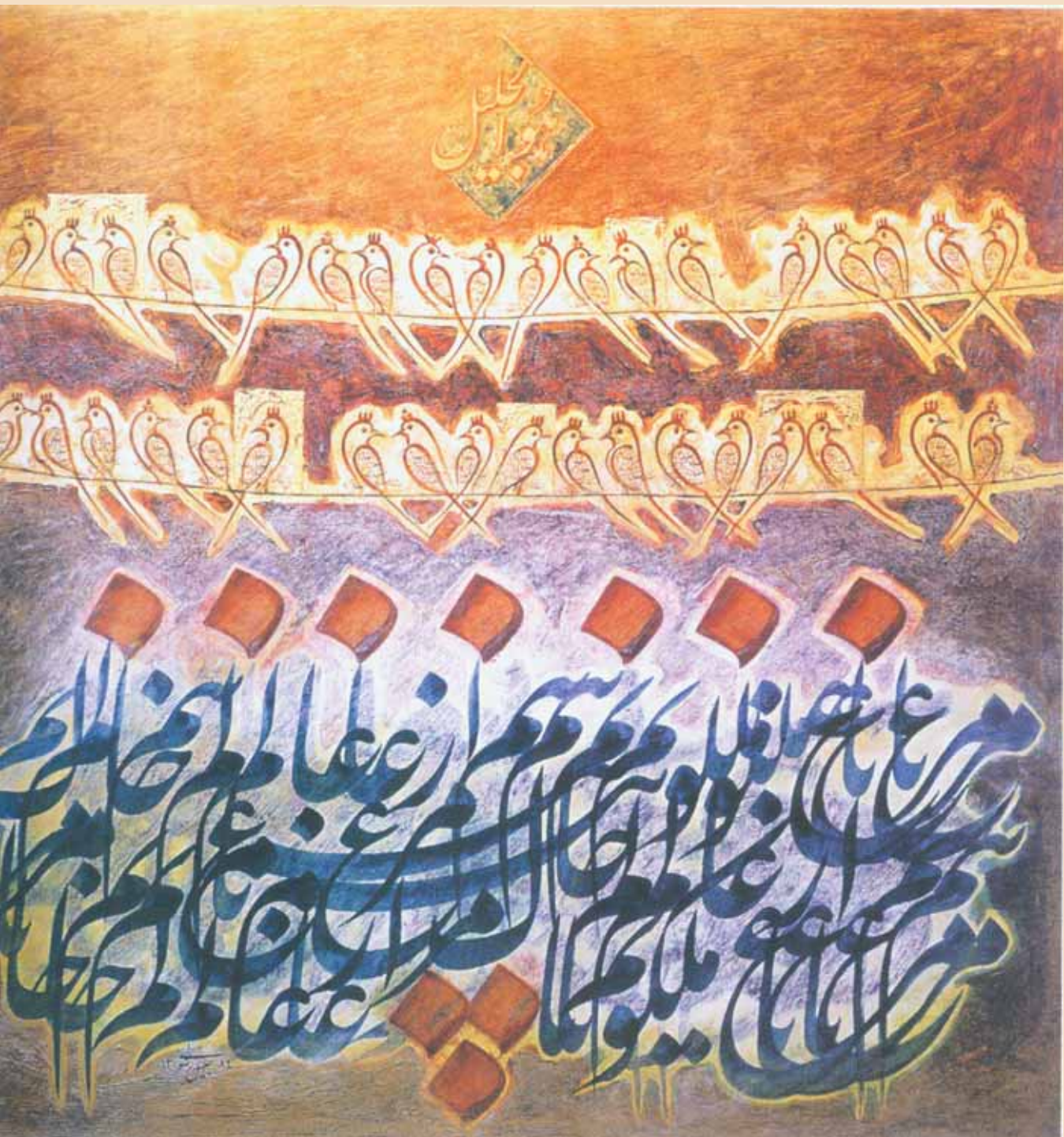
رسولی به خط حتی در آثار
نقاشی خط که بیشترین غلبه را
داراست به عنوان یک مقوله
صرف انتزاعی و زبان
تصویری که از آن بار
ادبی سلب شده نگاه
نمی‌کند



گوشه‌های عاشقانه زندگی هنری

رسولی گوشه‌های عاشقانه‌ای را در زندگی هنری خویش زیسته است که مانند هر هنرمند مطرح دیگر، برای خودش منحصر به فرد است. اتمام و به پایان رساندن تابلوهای پرزحمت و پرمرارت رسولی آن‌هم در اندازه‌های بزرگ و رساندن آن‌ها به معیار و میزان ذوق و هنر مخاطبان و مورد پسند افتادن هر اثر، کاری دشوار و طاقت‌فرساست. او با همان سادگی و بی‌آلایشی روحی خود بارها هنر خویش را در ترازوی نقد قرار داده است. به طوری که نگارش «چهل‌گونه» از «یک مصراع» و ارائه متنوع هر اثر بالاخره هنرمند را گرفتار «چه کنم!» ساخته و لاجرم سختی‌هایی را بر روح و روان وی تحمیل می‌کند که پس از خلاص و رهایی از تابلوی چهلم در گوشه‌ای از کارگاه هنری خویش بنشیند و زارزار بر کارهای پایان‌یافته خود اشک ذوق بریزد و ناله شوق سر دهد. رسولی کسی است که این تجربه را از سر گذرانده است.

**پرکاری جلیل
رسولی در ارائه
قطعات و تابلوهای
نقاشی خط با
رویکرد ارائه آثار
قرآنی در خارج
از کشور برای او
جایگاه ارزشمندی
فراهم کرده است**



گرایش به نقاشی خط

به‌طور طبیعی هر هنرمندی برای ایجاد تحول و نگاه متفاوت در کار خود، نخست به بیان مبانی تئوری و اندیشگی آن نظر دارد. رسولی در مورد گرایش به نقاشی خط و وارد کردن رنگ و فرم به کار خوش‌نویسی نخست از نقصان‌هایی که در مسیر راه نسبت به خط احساس کرده یاد می‌کند. او خط را در نهایت تکنیک و فنی می‌داند که در خدمت پیام‌رسانی محتوا و مضمون است. بارها این نکته از زبان رسولی به اشکال مختلف آمده، در جایی که در موضوع پیام‌رسانی در خط و محدودیت آن آورده است:

«... در مینیاتور، نقاشی، موسیقی و یا مجسمه‌سازی و یا هنرهای دیگر پیام‌رسانی وجود دارد، اما در هنر خوش‌نویسی پیام‌رسانی محدودتر است. بدین معنی که یک خوش‌نویس بعد از این که خطش به مرحله مطلوبی رسید و تکامل نسبی پیدا کرد و تمام تخصصی را که بایستی دارا باشد و به قواعد و اصول کافی خط، یعنی خلوت و جلوت، ترکیب و کرسی‌بندی و حال و شیرینی و شأن و... آشنایی کامل پیدا کرد، تازه اگر احساس درونی هنر خوش‌نویس در این هنرمند به‌طور مطلوب پدید آمد، آن وقت است که خوش‌نویسی این هنرمند به خدمت یک بیت یا یک صفحه کتابت از شعر حافظ درمی‌آید که ملاحظه می‌فرمایید. پیام‌رسانی در اصل مربوط به خوش‌نویسی نیست. بلکه مربوط به پیام شعر و شاعر، یعنی حافظ است و این خود مطلب مهمی است. گرچه منظور خوش‌نویسی از انتخاب شعر حافظ می‌آید و یا هر مطلبی خواسته قلبی اوست. اما در هنر نقاشی مثلاً چنین نیست و می‌توان اندیشه یا پیام خاص را در قالب نقاشی به تصویر کشید.»^۸ برای رسولی پیش‌کسوتانی چون استاد رضا مافی، استاد زنده‌رودی، مرحوم پیل‌آرام، استاد احصایی و استاد افجه‌ای پیشگامانی بودند که تلاش و نمایشگاه‌های نقاشی خط آن‌ها انگیزه‌بخش حرکت و تلاش بیشتر وی بود. به‌طوری که نخستین رگه‌های گریز از خط و تمایل به نقاشی خط در او به آرامی شکل گرفت: «بعد از برگزاری دو نمایشگاه (۱۳۵۲ و ۱۳۵۳) با خودم خیلی کلنجار رفتم. می‌خواستم کارهای تازه‌تری انجام دهم، اما واقعیت این است که ما ۳۲ حرف که بیشتر نداریم! مگر چقدر می‌توانیم در این عرصه به ابداع بپردازیم. البته این را بگویم که در نقاشی خط به اندازه خط، محدودیت وجود ندارد.»^۹

روزی در یکی از گفت‌وگوها از وی پرسیدم آیا بعد از مراسم افتتاح، در نمایشگاه حضور خواهی یافت؟ و او خونسردانه گفت وجود من همان چهل قطعه‌ای است که به صورت مجزا بر سینه دیوار نصب شده و این همان مفهوم دمیدن بخشی از روح آدمی در اثر هنری خویش به عنوان یک فرزند معنوی است که بیننده اهل دل، حضور عارفانه و عاشقانه هنرمند را در لابه‌لای سطرها، فرم‌ها و چرخش‌ها و قوس‌های اثر هنری دریابد.

خاطره دیگر مربوط به فراموش کردن در زمان خلق اثر هنری است که هنرمند عاشق حتی نمی‌داند چه غذایی خورده که به همسرش پاسخ دهد خوشمزه بوده یا نه! و به همین سان جلیل جوان هنرمند جوینده‌ای است که هر سطر و سرمشق استاد خود را هر بار در ۶۰ صفحه می‌نگاشته و کار روزانه او ۱۸ ساعت در شبانه‌روز بوده است.

اشکریزان کاتب در کنار اشک قلم در موقع نگارش از لحظات و مواقعی است که بازآفرینی دوباره آن نیازمند

لحظه‌های ویژه‌ای است که به ندرت اتفاق می‌افتد. رسولی این تجربه را زیبا از سرگذرانده: «یک بار در کتاب «نشان از بی‌نشان‌ها» تألیف مرحوم نخودکی به جمله‌ای برخورد کردم که «خداوند به حضرت داوود می‌فرماید: اگر آن‌ها که به من پشت کرده‌اند می‌دانستند که من چگونه انتظار آن‌ها را می‌کشم و چقدر مشتاق ترک نافرمانی آن‌ها هستم، از شدت شوق می‌مردند و اعضای بدن‌شان از فرط محبت به من از یکدیگر می‌گسلید.» این جمله مرا ماه‌ها درگیر خود کرد.»^۶

یک‌بار در گفت‌وگویی روزمره از وی جويا شدم که غیر از خط چه دل‌مشغولی‌هایی دارد؟ پاسخ کوتاه، روشن و درس‌آموز بود. خیلی خلاصه گفت:

«فقط خط!»^۷





بررسی آثار استاد رسولی

آثار استاد جلیل رسولی در دو بخش آثار سنتی خوش‌نویسی و تابلوهای نقاشی خط قابل تعلیم است که در این‌جا به بررسی این دو دسته از آثار پرداخته می‌شود. استاد رسولی به لحاظ انجام کارهای حرفه‌ای که بخش قابل توجه آن مربوط به برآوردن نیازهای کاربردی بازار، تبلیغات و نشر بوده، تعداد معتناهایی عنوان کتاب، سربرگ، آرم نوشته و مواردی از این دست نگاشته است. در عین حال آثار هنری ایشان در دو بخش گفته شده قابلیت بررسی دارد.

آثار سنتی خوش‌نویسی

کتابت‌ها

- داستان فرود از شاهنامه فردوسی (۱۳۵۳) در حدود ۵۰ صفحه کتابت صاف و یکدست به سفارش مرحوم استاد مجتبی مینویی
- کتابت گلشن راز شیخ محمود شبستری (۱۳۵۷)
- کتابت مقدمه مجموعه گنج نور ۹ صفحه، (۱۳۶۶)
- کتابت دیوان امام (ره) (۱۳۶۷)، ۲۷۴ صفحه، (چاپ پنجاه و ششم)
- نگارش نیمه‌تمام ترجمه کتاب شریف نهج‌البلاغه (۱۳۶۸)، ۲۷۰ صفحه ۱۲ سطری

آثار نقاشی خط

عمده آثار استاد رسولی شامل تابلوهای نقاشی خط می‌شود که روی بوم و چرم و سایر بافت‌ها کار شده و در نمایشگاه‌های مختلف هنری ایشان به معرض دید علاقه‌مندان درآمده است. بخش‌هایی از این آثار نقاشی خط توسط خود استاد به شکل نفیس و با دقت تمام به طبع رسیده است که شامل مجموعه‌های ذیل می‌شود:

۱. جان جانان (۱۳۷۱)، ۲۴۰ صفحه

اولین آثار چاپی رسولی است دربردارنده آثار وی شامل ترکیب‌بندی‌ها، هم‌نشینی خطوط شکسته و نستعلیق، نگارش‌های عبارت جلاله «الله اکبر» اجرای سی‌گانه از مرغ هدهد و سیمرغ، قالب‌های سنتی خط شکسته و نستعلیق و آثار گوناگون که از سال ۱۳۵۲ تا زمان چاپ کتاب در آن دیده می‌شود.

۲. چهار فصل (۱۳۷۱)، ۱۵۹ صفحه

در این مجموعه، آثار مدرن استاد که بیشتر تحت‌الشعاع نقاشی است ارائه شده. در چهار فصل آثار نمایشگاهی سال‌های ۶۸، ۶۹ و ۷۰ عرضه شده که رسولی تکنیک‌های مختلفی چون سیاه‌مشق و نقاشی خط را در آن‌ها به کار گرفته است.

۳. یادگار عشق (۱۳۷۵)، ۱۶۰ صفحه

در این کتاب آثاری که در آن از ترمه‌های قدیمی به جای تذهیب کلژ شده، مورد طبع قرار گرفته‌اند. همچنین بخشی از کتاب به آثار نقاشی خط استاد اختصاص یافته است.

۴. باغ ملکوت (۱۳۸۵)، ۲۷۱ صفحه

شامل ۲۲۰ اثر خط و نقاشی خط است که در سه نمایشگاه ارسباران، نیاوران و صبا به نمایش درآمده بودند و در بخشی از آن‌ها رسولی مصراع «مرغ باغ ملکوت، نیم از عالم خاک» را در چهل فرم ابداعی به صورت نقاشی خط طراحی و اجرا کرده است. این کتاب را می‌توان ماحصل نهایی تلاش استاد رسولی و استکمال شیوه شناخته شده نقاشی خط به حساب آورد.

۵. کتاب نور علی نور (۱۳۹۰)، ۱۲۰ صفحه

در ادامه همان شیوه و روش قبلی در این کتاب اجرای چهل فرم متفاوت از آیه ۳۵ سوره مبارکه نور به چاپ رسیده و ویژگی آن این است که همزمان با برپایی نمایشگاه ایشان در تیرماه ۱۳۹۰، مخاطبان مجموعه کامل آثار را به شکل چاپ شده آن مشاهده کردند.

مضامین در آثار رسولی

در تناسب با مضامین مورد استفاده هنرمندان خوش‌نویس، آثار استاد رسولی در درجه اول از درون‌مایه مضامین مذهبی و دینی و به‌طور خاص آیات قرآن و احادیث مشهور برخوردار است.

در مرحله بعد، آثار استاد رسولی شامل اشعار عرفانی و ادبی است. تمام این انتخاب‌ها توسط خود ایشان کاملاً آگاهانه از متون عرفانی و مذهبی انجام می‌گیرد و پایه و اساس کارشان را در مضمون‌یابی تشکیل می‌دهد.

رسولی برای این گرایش خود این چنین دلیل می‌آورد که «اصولاً خوش‌نویسی جوهره مذهبی دارد و

چشم بسیار

من بحال بت ای دوست گرفتار شدم

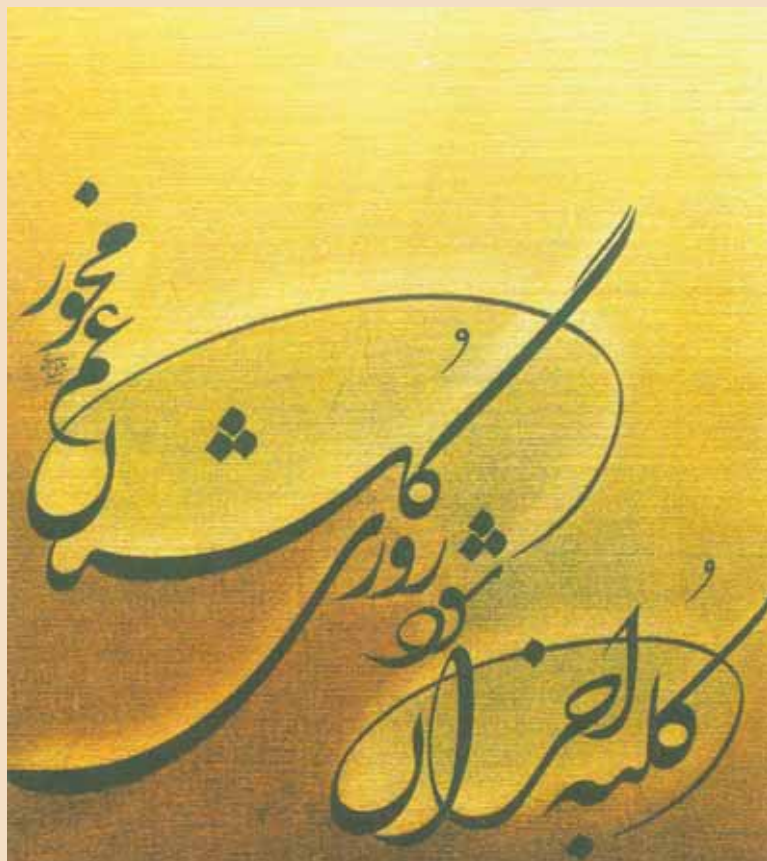
چشم بسیار تو را دیدم و بیمار شدم

فارغ از خود شدم و کوسان اناجی بزم
همچو منصور حسد یار سر دار شدم
غم دلدار گلنده است بجانم شتری
که بحبان آمدم شهره بازار شدم
در میخانه گشاید برویم شب و روز
که من از مسجد و از مدرسه بیمار شدم
جامه زهد دوریاکندم و برتن کردم
خرقه پیه خراباتی و بیمار شدم
واعظ شهر که از پسند خود آرام داد
از دم رنزمی آلوده مدد کار شدم

بگذارید که از بت کده یاد می کننم

من که با دست بت میکند بیدار شدم

غزلی از دیوان امام (ره) اثر استاد رسولی



تجربه گرانقدر استادان خوش‌نویسی معاصر مؤید این نکته است که شیوه و روش هنری آن‌ها با همت شاگردان ایشان توسعه یافته و ماندگار شده است

خط و خوش‌نویسی با عرفان و مذهب مأنوس است.»^{۱۰} در عین حال او به این نکته قائل است که «خط خودش به تنهایی، یعنی شکل ظاهری کلمه پیامی ندارد و پیام خوش‌نویسان مفهومی است که برای نوشتن انتخاب می‌کند. اما نقاشی به هر شکل و شیوه‌ای دارای پیام است. یعنی باید حرف و پیامی را با مخاطب در میان بگذارد.»^{۱۱}

این بیان رسولی تأکیدی است که او به خط حتی در آثار نقاشی خط که بیشترین غلبه را داراست به عنوان یک مقوله صرف انتزاعی و زبان تصویری که از آن بار ادبی سلب شده نگاه نمی‌کند. به همین دلیل، در طبقه‌بندی هنرمندان نقاشی خط در نقطه مقابل با کسانی چون زنده‌رودی و پیل آرام قرار می‌گیرد. هویت نقاشی خط او از پیام معنادار و مبتنی بر نوشتار و بار ادبی قوام می‌گیرد و این نکته همان دل‌بستگی دیرین او به خط است که هرچه زیباتر آن را در لباس دل‌نشین و تلفیق از فرم و رنگ و ترکیب‌بندی ارائه کند.

جلیل رسولی خود را خوش‌نویسی دلباخته اهل بیت می‌داند و اگر بپذیریم که این علاقه روحی می‌تواند در آثار هنرمند متجلی شود، باید یکی از علت‌های گرایش او به مضامین دینی و شیعی را همین عشق باطنی به‌شمار آوریم. او طلیعه آغازین کتاب **باغ ملکوت** را که از مهم‌ترین آثار هنری وی به حساب می‌آید، با نام حضرت اباعبدالله‌الحسین (ع) و حضرت قمر بنی‌هاشم (ع) متبرک نموده و در این خصوص می‌گوید:

«عشق به اهل بیت علیهم‌السلام در کلیه آثار من تنیده است. الان به درستی یادم نیست که دقیقاً در چه زمانی تصمیم گرفتم این عبارت را در صدر صفحات کتاب بگنجانم، اما در مواقع مختلف، از خدا خواسته‌ام یاری‌ام دهد تا این عبارت در صفحه نخست کتابم درج شود. من از جوانی، هر سال در مراسم محرم شرکت کرده‌ام و توانایی قلمم را از برکت عشق به اهل بیت، به‌ویژه، حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) می‌دانم.»^{۱۲}

و در فراز تکمیلی مطلب فوق چنین می‌آورد که «جمله و خطی را نوشته‌ام مگر این‌که به آن اعتقاد کامل داشته باشم، به همین دلیل حالات و روحيات مرا در آن می‌توان دید.»^{۱۳}

شاید یکی از کارهایی که می‌توان احساس شفاف و ایمان روشن جلیل را در آن به تماشا نشست، همان

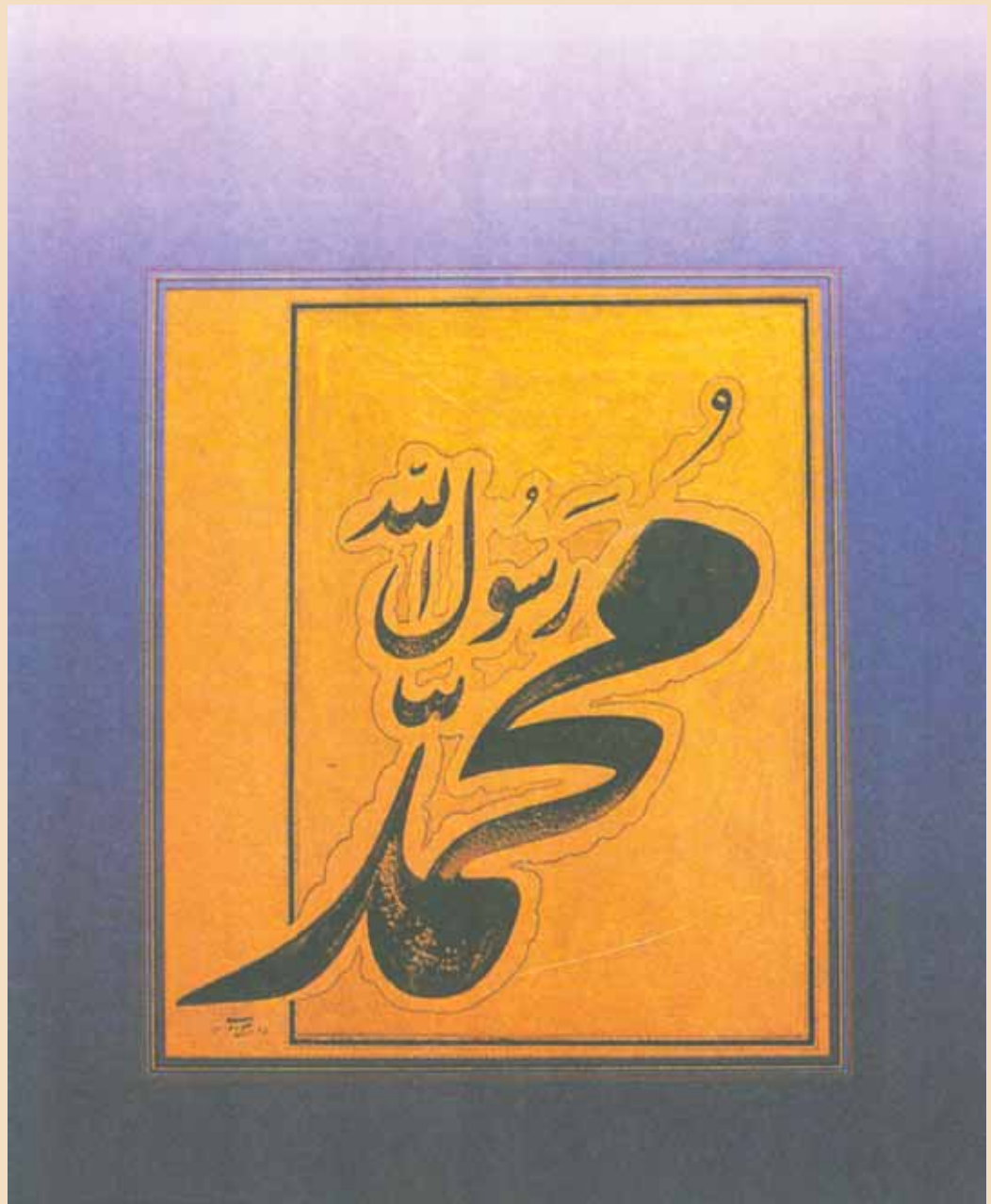
کتیبه‌نگاری او در دو محور ۳۸ متری است که به شکل مدور و به خط نستعلیق برای نمای بیرونی گنبد حضرت معصومه (س) در سال ۱۳۸۳ نگارش شده است. رسولی بارها در گفت‌وگوها و مصاحبه‌های خود از خوشایندی این توفیق سخن گفته، اما فی‌المثل این شادابی و خوشحالی را برای سایر کارهای خود این چنین به زبان نیاورده است.

تأثیر بر نقاشی خط معاصر

جلیل رسولی به علت نداشتن کلاس خوش‌نویسی توفیق شاگردپروری مستقیم نداشته و در نستعلیق سنتی نیز شاگردی را پرورش نداده است. البته در حوزه نقاشی خط نیز او تربیت شاگردی را در کارنامه خود نداشته؛ اما تأثیر غیرمستقیم آثار او و توفیق در این زمینه، نقاشی خط را به عنوان یک گرایش تثبیت‌شده و در حال حاضر به شیوه‌ای مستقل تبدیل کرده و تلاش او در کنار پیشگامان این جریان از تأثیر محسوس برخوردار بوده است. در عین حال، عدم تعلیم چه در حوزه کلاسیک و چه در حوزه گرایش نقاشی خط، یکی از بدهکاری‌های هنری او به علاقه‌مندان به‌شمار می‌آید. اگر رسولی به‌طور مداوم معتقد است که کار او باید دارای شناسنامه مستقل باشد، باید به این نکته نیز توجه کند که یکی از مؤلفه‌های ماندگاری کار و شناسنامه‌دار شدن و شناسنامه‌دار ماندن، وجود رهروان و پیروانی است که هنر وی را زنده و پویا نگاه می‌دارند. زیرا در غیر این صورت، پس از گذشت یک دوره زمانی آثار او می‌تواند فقط یک رجعت تاریخی در مطالعات تاریخ هنر باشد. تجربه گرانقدر استادان خوش‌نویسی معاصر مؤید این نکته است که شیوه و روش هنری آن‌ها با همت شاگردان ایشان توسعه یافته و ماندگار شده است.

جمع‌بندی

بحث درباره استاد رسولی و هنر خط و نقاشی خط وی در حد بازکردن یک روزنه به نیم قرن تلاش ایشان ارائه گردید. در عین حال، از نظر فنی و تحلیل آثار و دستاوردهای هنری به‌طور حتم باب بحث هم‌چنان گشوده خواهد بود و می‌توان عناصر مهمی چون خط، رنگ، فرم، دنباله‌دار کردن حروف و کلمات، شیوه‌ها و شگردهای اختصاصی و آینده آثار ایشان را مورد



بررسی تفصیلی قرار داد، از سوی دیگر، جاری و ساری ساختن نقاشی خط در کلاس‌های درس و نگریستن به موضوع از همه جوانب آن، نکته‌ای است که می‌تواند مورد نظر همکاران هنرمند و هنرمندان همکار قرار گیرد.

پی‌نوشت

۱. جلیل رسولی، مصاحبه با روزنامه رسالت ۱۳۸۵/۷/۱۵، ص ۶
۲. جلیل رسولی، مصاحبه با روزنامه رسالت ۱۳۸۴/۵/۱۰، ص ۱۴

۳. شعر از نصر... کاسمی
۴. جلیل رسولی، مصاحبه با روزنامه قدس ۱۳۸۴/۵/۱۰، ص ۱۵
۵. همان
۶. جلیل رسولی، مصاحبه با روزنامه جام‌جم ۸۹/۶/۱
۷. گفت‌وگوی نگارنده با استاد جلیل رسولی، ۱۳۹۰/۴/۳۰
۸. جلیل رسولی، گفت‌وگو با فصل‌نامه وقف، بهار ۱۳۷۱
۹. جلیل رسولی، گفت‌وگو با روزنامه جام‌جم، ۱۳۸۹/۶/۱
۱۰. جلیل رسولی، گفت‌وگو با فصل‌نامه وقف، بهار ۱۳۷۱
۱۱. جلیل رسولی، گفت‌وگو با روزنامه همشهری، ۷۲/۸/۱۲
۱۲. جلیل رسولی، گفت‌وگو با روزنامه همشهری، ۸۵/۱۱/۱۶
۱۳. جلیل رسولی، گفت‌وگو با کلک مشکین، ۸۶/۱/۲۲